



اشاره: جدایی بدن و ذهن برای مدت زمان طولانی مبنای فلسفه غرب بوده است و طی آن ذهن، برتر از بدن در نظر گرفته می‌شد. جامعه‌شناسان کلاسیک در تحلیل‌های خود از مقولات اجتماعی، رویکردی مستقل از بدن را مورد توجه قرار داده‌اند و با قرار دادن بدن در قلمرو سایر رشته‌های علمی، آن را ضرورتی غیرقابل تأمل در کنش انسانی در نظر گرفته‌اند. از سوی دیگر، توجه متأخرین به بدن، مباحث گسترده‌ای را درباره موضوعاتی نظیر هویت، فرهنگ مصرفی، سبک زندگی و نظریه‌پردازی اجتماعی در میان جامعه‌شناسان برانگیخته‌است.^(۱)

مصرف گسترده لوازم آرایشی و بهداشتی، رژیم‌های غذایی، ورزش‌های مخصوص متناسب اندام، جراحی‌های زیبایی و سبک‌های پوششی متنوع از مصادیق توجه متزاید انسان به «بدن» خویش در جامعه امروز است. این در حالی است که تا چند دهه پیش، حتی در غرب، توجه و اهمیت نسبت به ظاهر مختص طبقات ممتاز جامعه بود اما در جامعه معاصر مدیریت بدن (هر نوع نظارت و دستکاری مستمر ویژگی‌های ظاهری و آشکار بدن، از اعمالی مثل تاتو، پیرسینگ و عمل بینی گرفته تا بدنسازی و رژیم‌های غذایی) برای عامه مردم امکان‌پذیر شده است و دیگر در تسلط یک گروه خاص یا فرهنگ بورژوازی ممتاز نیست. حتی می‌توان گفت این امر بین اقشار سطح پایین جامعه، بیش از دیگران است که این امر نشان‌دهنده اهمیت بدن و زیبایی در کسب منزلت است. اهمیت و حساسیت بیش از حد نسبت به شکل ظاهری بدن پیامدهای بسیاری در پی دارد. این موضوع منجر به بروز مشکلاتی از قبیل اختلالات غذایی، کدنی اعتماد به نفس و اختلالات روانی، آسیب‌های ناشی از جمله بی‌اشتهایی عصبی(Anorexia) و… می‌شود. طبق برآورد پژوهشی دانشگاهی ۸۷ درصد زنان و ۷۴ درصد مردان قسمتی از اجزای صورت یا ظاهر خود را دوست ندارند و خواهان تغییر یا اصلاح آنند.^(۲) این حساسیت در زنان بیش از مردان است و آنها را به سوی انواع عمل‌های جراحی زیبایی، رژیم‌های غذایی سختگیرانه و آرایش‌های اغراق آمیز سوق می‌دهد. زنان و دختران ایرانی سالانه حدود ۱۶۳۰ میلیون یورو برای کالاهای آرایشی هزینه می‌کنند.^(۳)

■ **در جامعه مدرن احراز هویت به واسطه بدن صورت می‌گیرد**

در دنیای مدرن و پست مدرن تردید در همه پارامترهای زندگی روزمره نفوذ کرده و ابعاد حیاتی جهان اجتماعی معاصر را شکل می‌دهد. در جوامع فرانسئی، هویت‌های ما و احساس ما از پیش خویشتن‌مان امری از پیش مشخص نیست. و همینطور هویت چیزی نیست که مانند گذشته بدن با عضویت در گروه یا تاوأم کنش اجتماعی آن را کسب کرد بلکه فرد باید آن را به طور روزمره ایجاد کند. «کیدنز» معتقد است بحران انسان مدرن، «بحران هویت» است. این بحران زمینه را برای ظهور و بروز انواع هویت‌هایی که افراد موقتا برای خود ایجاد

می‌کنند تا پایگاه محکمی برای مواجهه با جهان مدرن داشته باشند، فراهم می‌کند. این هویت‌های متغیر نتیجه بازاندیشی فراینده انسان مدرن در همه ابعاد است. از جمله این هویت‌ها «هویت بدنی» است.

در جهان مدرن بدن نه یک موجودیت فیزیولوژیک ثابت، بلکه امری تحت کنترل و قابل تغییر و تحول است. «بدن را تاکنون جایگاهی معین برای خود می‌دانستیم اما با هجوم فراینده نظام‌های مجرد به بدن، همه این مفروضات دگرگون می‌شوند. بدن که زمانی جایگاه روح شمرده می‌شد و زمانی مرکز نیازهای ناپسند و گمراه‌کننده، اینک از هر لحاظ در اختیار تاثیرات بازاندیشانه جامعه امروزی قرار گرفته است. در نتیجه این فرآیندها مرزهای سنتی بدن دگرگون شده است. اینک بدن



دارای «لایه مرزی» کاملا نفوذپذیری است که از خلال آن طرح بازاندیشانه «خود» و نظام‌های مجردی که در خارج از بدن شکل گرفته‌اند، به طور جاری به قلمرو آن وارد می‌شوند.^(۴)

■ **بدن مدرن روایتگر سبک زندگی انسان جامعه‌شناسان**، فرهنگ دوره اخیر مدرنیته را نوعی فرهنگ «بصری» و «تمایشی» می‌دانند. در چنین فرهنگی ظاهر هر چیز تعیین‌کننده معنای آن بوده و از اهمیت بسیاری برخوردار است. به این ترتیب مراقبت از این ظواهر و نظارت و کنترل بر محیط پیرامونی تبدیل به اولویت افراد می‌شود. در این فرهنگ نمایشی، نمادها و نشانه‌های ظاهری سبک زندگی انسان دائما در حال تغییر و تحول است. سبک زندگی بنا به تعریف، «مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردهاست که هم نیاز جاری فرد را برمی‌آورد و هم روایت خاصی را که برای هویت خود برگزیده مجسم می‌کند». «بورديو» نیز معتقد است «فرد از میان انواع کالاهای مصرفی، سبک‌های پوشش، سلیقه غذایی، آرایش، مد، ملبمان، تزئین داخلی منزل و… انتخاب‌های متفاوتی انجام می‌دهند تا با انتخاب سبک‌های زندگی متمایز خود را از دیگران جدا کنند».^(۵) از بین این ظواهر، بدن به منزله مستقیم‌ترین و در دسترس‌ترین قرار گاهی که می‌تواند حامل و نمایشگر تفاوت‌های شیوه زندگی و شکل‌های هویت باشد، اهمیت اساسی می‌یابد و بدین‌سان جسم به یک اصل هویتی بدل می‌شود.^(۶)

نظارت و تنظیم و تعدیل دقیق بدن را می‌توان داستان یا روایتی دانست که فرد از چگونگی زیستن خود در چارچوب‌های متفاوت زندگی جمعی نقل می‌کند. اگر فرد در مقام راوی نگریسته شود، آنگاه روایت وی تا حد زیادی به خود وی به مثابه عامل بستگی خواهد داشت. و از همین‌جاست که مفهوم شیوه زندگی از مفهوم روش زندگی متمایز می‌شود، زیرا روش زندگی بیانگر شیوه‌های رفتاری و الگوهای نگرشی و کنشی رایج در یک خرده‌فرهنگ یا قوم است. حال آنکه مفهوم شیوه زندگی تاکید بیشتری بر خلاقیت و آزادی‌کنشگر در ساختن هویت خود از طریق انتخاب‌های مصرفی دارد. در نتیجه، هویت فردی و اجتماعی امری انعطاف‌پذیر وبرساخته‌ای فرهنگی و اجتماعی است که بیشتر براساس گزینش‌ها و تفسیرهای کنشگران ساخته می‌شود، نه آنکه به واسطه موقعیت‌های ساختاری تعیین شود.^(۷)

■ **در جهان مدرن بدن نه یک موجودیت فیزیولوژیک ثابت، بلکه امری تحت کنترل و قابل تغییر و تحول است. بدن را تاکنون جایگاهی معین برای خود می‌دانستیم اما با هجوم فراینده نظام‌های مجرد به بدن، همه این مفروضات دگرگون می‌شوند. بدن که زمانی جایگاه روح شمرده می‌شد و زمانی مرکز نیازهای ناپسند و گمراه‌کننده، اینک از هر لحاظ در اختیار تاثیرات بازاندیشانه جامعه امروزی قرار گرفته است**

«روبنگ گافمن» معتقد است نقش‌ها و موقعیت‌های اجتماعی نمایش‌هایی هستند که انسان در زندگی روزمره خود اجرا می‌کند. «خود» افراد به‌وسیله این نقش‌ها و نمایش‌ها معنا می‌یابد. افراد هنگام کنش متقابل می‌کوشند جنبه‌ای از خود را نمایش دهند که مورد پذیرش دیگران باشد. از نظر گافمن، معانی اجتماعی انضمامی به اشکال و عملکردهای بدنی خاص، متمایل به درونی شدن هستند و بر نوع احساس افراد از خود و ارزش درونی آنها تأثیر می‌گذارند. بدین‌سان، بدن به‌عنوان واسط، نقش مهمی در برقراری پیوند بین «هویت فردی» و «هویت اجتماعی» از خود بر جای می‌گذارد. از نظر گافمن، «صورت» انسان در تعامل چهره به چهره و نیز در عملکردهای اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است. «صورت اجتماعی» به‌عنوان صورت



بررسی مفهوم، کارکرد و نقش بدن در جامعه معاصر

جسمی که در آن زندگی می‌کنیم

- فاطمه حمزه‌لوی*

عمومی، نیازمند تغییر دائمی نقاب موجود بر آن است. آرایش، وسیله مفیدی برای به دست آوردن نقاب است که تنها در شرایط احساسی همچون تنهایی یا حضور دوستان کنار می‌رود و «صورت خصوصی» ظاهر می‌شود.^(۱)

■ **نسخه زیبایی سرمایه‌داری برای زنان**

در بحث مدیریت بدن، همانطور که اشاره شد زن‌ها از حساسیت بیشتری برخوردارند و ناراضیانی بدنی نیز در زنان بیش از مردان دیده می‌شود. این مساله که در تمام فرهنگ‌ها و نژادها مشترک است، ریشه تاریخی و اجتماعی دارد.

در ایالات متحده آمریکا ایستارهای موجود راجع به بدن، توسط تقابل ذهن بدن مشخص می‌شوند. در آنجا این باور وجود دارد که ذهن چیزی کاملا متمایز از بدن است و خویشتن واقعی فرد در ذهن او جـای دارد و از طریق آن به کنترل بدن منحرف وی می‌پردازد. همچنین تقابل ذهن/ بدن از طریق مربوط دانستن مردان به آذهان تعالی یافته تحت کنترل و مرتبط کردن زنان با بدن‌های ضعیفی که باید تحت کنترل واقع شوند، بر نابرابری‌های جنسیتی صـحه می‌گذارد. چنین باوری کاملا با نیاز سرمایه‌داری مصرف‌گرا با فروش محصولات رابطه دارد، چـرا که بدن و بویژه بدن زنانه دائما به‌عنوان ابژه‌ای معرفی می‌شود که باید از طریق خرید کالاها در فرهنگ آمریکایی از حدود ۵۰ سال پیش

ایده اندام زیبا در قالب «اندام لاغر» تعریف و تحمیل شد. نمود این ایده را می‌توان در فیلم‌ها، انیمیشن‌ها، تبلیغات، داستان‌های مصور و حتی اسپان بازی‌ها (عروسک باری) مشاهده کرد. همچنین مولفه‌های دیگری درباره صورت، پوست و اندام و لباس ارائه شد. جهانی شدن به گسترش این ایده‌ها از طریق رسانه‌های جمعی و فناوری‌های ارتباطی در سطح جهان انجامید. «ولف» مطرح می‌کند «فشار برای تطابق با معیارهای زیبایی‌شناختی و فشارهایی که تبلیغات، رسانه‌ها تاوأم بخشیدند، مانع پیشرفت سیاسی و اجتماعی زنان مدرن می‌شود».^(۲) تحت تأثیر این فشارها، زن برای تطابق با ایده‌ال‌ها، احراز هویت خویش و تأثیرگذاری بر دیگران در جامعه معاصر به تغییر و اصلاح بدن خویش از راه‌های مختلف روی می‌آورد.

■ **بدن زن در فرهنگ شهوت‌سالار، تبدیل به یک ابژه جنسی می‌شود**

با نگاهی به فرایند تمدن شدن در غرب، متوجه تمایزی بارز بین زن و مرد در این جریان می‌شویم. زنان موجوداتی نزدیک به طبیعت فرض می‌شوند در صورتی که مردان به تمدن نزدیک‌ترند. با این پیش‌فرض، زن به‌عنوان موجودی پنداشته می‌شود که می‌توان آن را تحت سیطره و استعمار درآورد.

بررسی وضعیت پوشش زنان و مردان در غرب طی ۲ قرن گذشته بویژه از دهه ۱۹۵۰ بدین سو نشان می‌دهد زنان تاکنون روند فراینده، مداوم و برگشت‌ناپذیر برهنگی را متحمل شده‌اند. این در حالی است که مردان در همین مدت تغییرات اندکی در لباس فرم خود داشته‌اند و ترکیب لباس استاندارد آنها همواره شامل کت و شلوار، پیراهنی که تمام دکمه‌های آن بسته می‌شود و بخشی از گلو را نیز می‌پوشاند، به علاوه کراوات و گاه پاپیونی که براساس هنجار باید کاملا محکم بسته شود، است. آشکار است شتاب بالای برهنگی زنان، همزمان با پوشیده ماندن مردان که به رویداد جهانی و مداوم تبدیل شده است ناشی از یک فرایند مداوم فرهنگی و نهادی (فافرودی) است.^(۳) این فرآیند در حالی به برهنگی زن مدرن منجر

انسان معتقد به غایت‌مندی حیات، با علم به ناگزیر بودن ترک دنیا، رویه‌های عملی و نظری دنیوی خود را در انطباق با مصالح باقی و حیات دیگر اتخاذ می‌کند. با این نگاه بسیاری از وجوه افراطی مدیریت بدن از جمله اعمال جراحی زیبایی برای جوان‌تر نشان دادن چهره و رژیم‌های غذایی افراط‌آمیز از نگاه دین منتفی است. به عبارت دقیق‌تر، فرد تا قبل از قـرار گرفتن در دایره حیات معقول، در پی عدم رشد فکری و وجدانی، کنش‌های مختلف کنشگران جهان طبیعت را انبساط‌بخش می‌یابد و به‌تدریج که تا تکامل فعالیت مغزی، حقایق زندگی را می‌یابد، با شوؤن بی‌ارزش خود را سرگرم نمی‌کند؛ پوشیده ماندن مردان و برهنه شدن زنان ایجاد نمی‌کند. این مساله حاکی از وجود نوعی نظام فرهنگی (نظام فرهنگی شهوت‌سالار) است که با استفاده از یک سیستم کنترل فراآگاهانه زنان را نسبت به وضعیت موجود اقناع می‌کند. «این نظام فرهنگی زنان را از درون تجهیز می‌کند تا خود را به ابزار شهوت دم‌دستی مردان بدل کنند و این رویداد را کاملا در درون خود پذیرا شوند. به این ترتیب مردان بدون زحمت زیادی می‌توانند زنان را به موضوع لذت خود بدل کنند و همواره آنها را برهنه در ویتـرین عرصه عمومی در روابط موقت برای انتخاب شدن نگه دارند».^(۴)

در نظام فرهنگی شهوت‌سالار زنان اشیایی در جهت کماجویی مردان در هر زمان و مکانی هستند. این ایدئولوژی عملا از زنان به‌عنوان کالای جنسی استفاده می‌کند و زنان را وسیله‌ای برای آرایش اتاق‌های انتظار مطب یا دفتر کار یا ابزاری برای جلب مشتریان بیشتر به

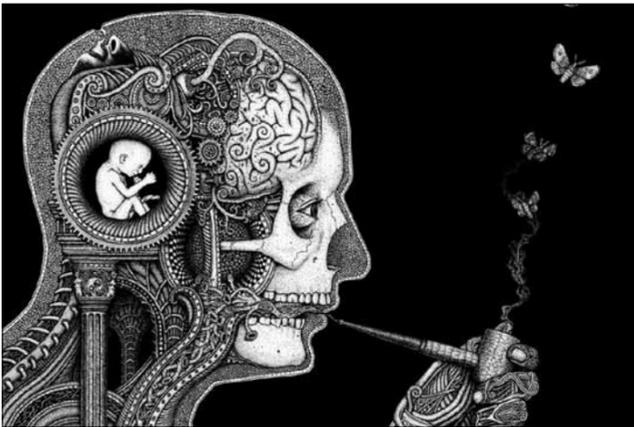
بی‌نوشـت:
۱- **فاتحی، ابوالقاسم و اخلاصی، ابراهیم (۱۳۸۹)**، **گفتـمان جامعه‌شناسی بدن و نقد آن بر مینای نظریه حیات معقول و جهان‌بینی اسلامی، فصلنامه معرفت فرهنگی – اجتماعی، سال اول، شماره دوم، صص ۸۲-۵۷**

۱- همان، ص ۲۹۷	۲- همان
۳- همان	۴- ابادری، یوسف و حمیدی، نفیسه(۱۳۸۷) ، جامعه‌شناسی بدن و پاراهای مناقشات، پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۴، ص ۱۲۲
۵- حاجی حسدری، حامد (۱۳۸۶) ، پروپلما تیک جامعه‌شناختی «سکس»	۶- خواجه‌نوری، بیژن؛ روحانی، علی و هاشمی، سسمیه (۱۳۹۰) ، سبک زندگی و مدیریت بدن، فصلنامه علمی- پژوهشی جامعه‌شناسی زنان، سال دوم، شماره چهارم، ص ۳۰
۷- همان	۸- آزادارمکی، تقی و چاووشیان، حسن (۱۳۸۱) ، بدن به مثابه رسانه هویت، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۴، ص ۵۹
۹- همان، ص ۶۰	۱۰- فاتحی و اخلاصی، همان
۱۱- ابادری و حمیدی، همان، ص ۱۳۵	۱۲- خواجه‌نوری و دیگران، همان، ص ۲۹
۱۳- حاجی حسدری، همان، ص ۲۵۷	۱۴- همان، ص ۲۶۱
۱۵- همان، صص ۲۵۸-۲۵۷	۱۶- فاتحی و اخلاصی، همان
۱۷- خواجه نوری و دیگران، همان، ص ۴۱	

■ **زنان و دختران مدرن که مخاطبان اصلی نشریات و فیلم‌های با داستان‌های عاشقانه، شخصیت‌های زیبا و خوش‌اندام و دستوراتعمل‌های مربوط به زیبایی و تناسب اندام هستند، خواسته یا ناخواسته با تبدیل شدن به ابژه‌های جنسی، با این فرهنگ همنا شده و حتی آن را تقویت می‌کنند.**

■ **زنان و دختران مدرن که مخاطبان اصلی نشریات و فیلم‌های با داستان‌های عاشقانه، شخصیت‌های زیبا و خوش‌اندام و دستوراتعمل‌های مربوط به زیبایی و تناسب اندام هستند، خواسته یا ناخواسته با تبدیل شدن به ابژه‌های جنسی، با این فرهنگ همنا شده و حتی آن را تقویت می‌کنند.**

■ **مدیریت بدن از نگاه دین**
بر خلاف آموزه‌های کلیسا که بر تقابل جسم و روح تاکید داشته و بدن را عامل انحراف و گناه می‌داند، اسلام بدن را به‌عنوان جایگاه روح حائز اهمیت می‌داند اما از آنجا که دین برای مسائل متعالی بیش از مسائل مادی و ظاهری اهمیت قائل است توجه به بدن را در حد سالم بودن کافی می‌داند. در جهان‌بینی توحیدی تمام کنش‌های انسانی جهت‌دار و حاوی معناست، «به لحاظ نظری،



اشاره

گزارش کاردار سفارت آمریکا آتش‌سوزی سینما رکس با اجازه حکومت شاه بود

براساس اسنادی که نسایت ویکی‌لیکس اخیرا منتشر کرده، چارلز ناس، کاردار سفارت آمریکا در تهران در گزارشی محرمانه درباره آتش‌سوزی سینما رکس آبلان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۷، به‌نقل از یک «منبع آگاه در میان اپوزیسیون مسلح» نوشت که حکومت شاه به طور ضمنی اجازه چنین کاری را داده است. به گزارش «تاریخ ایرانی» متن کامل گزارش محرمانه ناس به این شرح است:

تاریخ: سه‌شنبه ۲۲ آگوست ۱۹۷۸

خلاصه: تمامی مطبوعات تهران در ۲۱ و ۲۲ آگوست به طور کامل به اخبار آتش‌سوزی سینما رکس پرداختند. تعداد کشته‌شدگان به صورت غیررسمی ۴۳۰ نفر برآورد شده است. جزئیات هنوز مشخص نیست. مقامات می‌گویند تروریسته‌ها دور تا دور سینما گازوئیل ریخته و سپس آن را شعله‌ور کردند ولی برخی شاهدان صدای انفجار شنیده‌اند. مطبوعات همدردی و خشم مردم را گزارش می‌کنند. رهبران اپوزیسیون بدگمان هستند ولی اظهار نظر عمومی نمی‌کنند.

۱- تیرها و گزارش‌های تصویری مطبوعات تهران در ۲۱ و ۲۲ آگوست به آتش‌سوزی فاجعه‌بار سینما رکس آبلان اختصاص داده شده است. آتش‌نشان‌ها اجساد ۳۷۷ نفر را پیدا کرده‌اند و تعداد کشته‌شدگان به صورت غیررسمی به ۴۳۰ نفر رسیده است. این آمار به احتمال زیاد افزایش خواهد یافت، زیرا ظرفیت سینما ۶۰۰ تا ۷۰۰ نفر برآورد شده و فقط ۲۰ تا ۴۰ نفر توانسته‌اند جان سالم به در ببرند. مقامات نمی‌دانند چند نفر در سینما حضور داشته‌اند، زیرا ورود اطفال آزاد بوده است.

۲- آتش‌سوزی اندکی پس از شروع فیلم ایرانی حدود ساعت ۲۱:۴۵ آغاز شد. طبق گزارش‌ها، آتش‌افروزان دور تا دور ساختمان را گازوئیل ریخته‌اند و منتظر شده‌اند تا گازوئیل به داخل ساختمان نفوذ کند و سپس آن را شعله‌ور کرده‌اند. اما برخی بازماندگان می‌گویند پیش از شروع آتش‌سوزی صدای انفجار شنیده‌اند. شاهان می‌گویند سینما بلافاصله در شعله‌های آتش غوطه‌ور شد. جمعیت به سمت تنها در خروجی هجوم برد ولی در قفل بود. درین می‌گوید برای جلوگیری از حملات تروریستی در ر قفل کرده بودند (۲ ماه پیش نیز این فیلم مورد حمله قرار گرفته بود) آتش‌نشان‌ها تا ساعت ۲ بامداد نتوانستند حریق را کنترل کنند. از آن به بعد فقط می‌توانستند اجساد را بیرون بکشند.

۳- پلیس از ۱۰ فقره دستگیری خبر داده است. ۳ نفر در این میان مواد منفجره حمل می‌کرده‌اند ولی سخنی از دستگیری عاملان این جنایت نشده‌است. ۳ نفر از دستگیرشدگان نیز رئیس سینما و ۲ کارمد آن هستند که به دلیل اهمال و قصور مورد انتقاد سنگین قرار گرفته‌اند.

۴- پیام‌های همدردی و آندوه بابت «سنگین‌ترین حمله تروریستی دوران» روزنامه‌ها را بر کرده‌است. شاه، شهبانو و نخست‌وزیر آموزش‌گام تسلیت فرستادند. سخنگوی انجمن مطالعات مسائل ایران خواستار شد مجازات برای عاملان این جنایت شده است: «کلام از ابراز خشم و انزجار در برابر چنین قتل علمی قاصر است.» محسن پزشکیور نماینده مجلس و سخنگوی مخالفان حکومت نظامی اصفهان در جلسه فوق‌العاده روز ۲۰ آگوست، ابراز تعجب کرد: «همی‌دانم چه کسی می‌تواند دست به چنین اقدامی بزند.»

رهبران مذهبی این حمله را «غیراسلامی» توصیف کردند. آیت‌الله شریعتماری گفت: «ما با چنین افرادی هیچگونه ارتباطی نداریم.» آیت‌الله شیرازی از رهبران مذهبی مشهد نیز عاملان این آتش‌افزوری را محکوم کرده و آیت‌الله نوری این فاجعه را «غیرانسانی» توصیف کرده‌است. دکتر سیدحجازی این عمل را «فدایی بزدانه و مغایر با فرهنگ و آموزه‌های اسلام» برشمرده است. آیت‌الله وحیدی (توضیح: از حامیان خمینی) از اظهارنظر مشابه خودداری کرده، زیرا «حقایق مربوط به این اتفاق هنوز مشخص نشده است.» همایون، وزیر اطلاعات، پس از جلسه کابینه در ۲۱ آگوست گفت که مردم باید با یکدیگر در برابر «وحشت بزرگ» متحد شوند و به مردم اطمینان داد. تدابیر امنیتی تشدید خواهد شد.

۵- منبع آگاه در میان اپوزیسیون مسلح در بعد از ظهر ۲۱ آگوست به مأمور سفارت گفت که در مورد مساله آبلان تردیدهایی وجود دارد. از سخناش اینگونه برداشت می‌شد که حکومت ایران به طور ضمنی اجازه چنین کاری داده است ولی او از هرگونه اظهارنظر مستقیم خودداری کرد و گفت اپوزیسیون تحقیقاتش را در این زمینه آغاز کرده است. به گفته مبارزین مسلح، این حقیقت که رئیس پلیس آبلان -رزمی- در جریان تاراجی‌های ماه ژانویه رئیس پلیس قم بوده است و همچنین تاخیر در ارسال تجهیزات آتش‌نشانی، مشخص می‌کند مقامات، هوشیار و آماده نبوده‌اند. این منبع همچنین تاکید داشت این عمل نمی‌تواند از «تروریست‌ها» سر بزند زیرا آنها هیچ‌وقت «به مردم حمله نمی‌کنند.» مساله آتش‌سوزی آبلان برای مدت‌ها اپوزیسیون را درگیر خواهد کرد.

۶- هفت نفر از نمایندگان مجلس درخواست جلسه فوق‌العاده کرده‌اند تا تازدی آبلان بررسی شده آنها از دولت درخواست گزارش کامل کرده‌اند.

۷- سینماها در اعتراض به این فاجعه تعطیل شده‌اند و اکثر آنها تا ۲۷ آگوست تعطیل باقی خواهند ماند. (توضیح: زیر ۲۵ و ۲۶ آگوست اوج عزاداری‌هاست.)